



سال هفتم - شماره‌ی بیست و دوم - بهار ۱۳۹۶

صص ۱۳۵-۱۵۶

رابطه‌ی فضاها‌ی بی‌دفاع شهری با احساس امنیت اجتماعی (مطالعه‌ی موردی: شهروندان شهر تهران)

اکبر طالب پور^۱

چکیده

بررسی رابطه بین فضاها‌ی شهری و احساس امنیت شهروندان یکی از مباحث جامعه‌شناسی شهری است که مورد توجه جامعه‌شناسان قرار گرفته است؛ این فضاها می‌توانند تأثیر به‌سزائی در ایجاد احساس امنیت داشته باشند. مقاله‌ی حاضر به مطالعه‌ی ویژگیهای فضاها‌ی شهری و نقش آن در احساس امنیت شهروندان با استفاده از نظریات گوناگون جامعه‌شناسی، روان‌شناسی اجتماعی و طراحی شهری همچون نظارت چشم‌های خیابان جین جاکوبس، تفاوت فرهنگی راپوپورت، فضای قابل دفاع نیومن، پنجره‌ی شکسته ویلسون، پیشگیری وضعی از جرم کلارک، ری جفری و چیدمان فضایی هیلیر در سال ۱۳۹۴ در شهر تهران پرداخته است. روش پژوهش حاضر مبتنی بر پیمایش و ابزار پرسشنامه بوده است. پرسشنامه پژوهش ابعاد امنیت را در چهار مؤلفه‌ی احساس امنیت مالی، روانی، جانی و ناموسی با ۲۸ گویه مورد بررسی قرار داده است. روایی پرسشنامه‌ی تحقیق با استفاده از آلفای کرونباخ معادل ۰.۸۹ برآورد گردید. تعداد ۴۰۰ نفر از شهروندان تهرانی نمونه‌ی تحقیق را شامل می‌شدند که از پنج حوزه‌ی شهری شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز تهران برگزیده شدند. نتایج نشان دادند احساس امنیت شهروندان تهرانی در فضاها‌ی با دفاع بیش از فضاها‌ی بی‌دفاع است. آزمون فرضیه رابطه بین فضای شهری و ابعاد احساس امنیت نشان داد تفاوت معناداری از نظر انواع احساس ناامنی بین شهروندان به تفکیک فضای بی‌دفاع و بادفاع مشاهده می‌گردد. تحلیل رگرسیونی

Talebpour110@abru.ac.ir

۱ - استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه آیت الله العظمی بروجردی (ره)

تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۰/۱۶

تاریخ وصول: ۹۵/۷/۲۸

نشان داد متغیرهای مستقل، طراحی و معماری نامناسب فضای شهری، عدم نظارت مداوم بر عرصه‌ی فضاهای شهری تراکم پایین جمعیت، حضور افراد غریبه و پیش‌فرض عدم امنیت ۷۹ درصد از تغییرات احساس ناامنی را تبیین نمودند.

کلید واژه‌ها: احساس امنیت، فضاهای شهری، طراحی محیطی، طراحی کالبدی، فضاهای بی‌دفاع.

مقدمه و بیان مسأله

رشد و گسترش ابعاد فیزیکی و اجتماعی شهرها و تبدیل شدن آنها به مراکز ناهمگون جمعیتی، اجتماعی و ناموزونی کالبدی و بی‌قوارگی شهری^۱ تأثیرات قابل توجهی را بر زندگی شهری گذاشته است به طوری که در قرن حاضر می‌توان تأثیر شهرها را در رشد و گسترش آسیب‌های اجتماعی و ناهنجاری‌های رفتاری در جوامع شهرنشین مشاهده کرد. افزایش میزان ناهنجاری‌های رفتاری و خشونت‌های شهری، زمینه‌ساز احساس ناامنی اجتماعی بوده و مسأله‌ی تنظیم روابط انسانی ساکنان با محیط زندگی‌شان را با دشواری روبرو ساخته است. (جاکوب^۲؛ ۱۹۸۱: ۳۵).

با گسترش شهر در دوران معاصر و عوارض و مشکلات برخاسته از شهرنشینی، پدیده‌ی جرائم شهری موضوع تحقیقات علمی شد و دیدگاه‌های گوناگونی در این مورد بیان گردید، به طوری که تعدادی به طور مستقیم (تراکم و تحرک جمعیت و ناهمگونی فرهنگی را بر بی‌سازمانی اجتماعی مؤثر می‌دانند (مثل مکتب شیکاگو) و دیدگاه دیگر به جنبه‌ی طراحی شهری و نوع معماری توجه کرده و ویژگی فیزیکال و کالبدی شهر را تسهیل‌کننده‌ی بروز جرائم و ناامنی می‌دانند؛ از جمله این دسته می‌توان به افرادی همچون جین جاکوبس، نیومن، ترانسیک و... اشاره نمود. به اعتقاد این اندیشمندان شکل و کالبد شهری تأثیر بسزایی بر فرصت دست یازیدن به جرم و ترس از جرم دارد (خاموشی، ۱۳۸۷: ۱). شاید بتوان گفت که در هر فضای شهری مفروض، مقدار معینی از خشونت و ناامنی وجود دارد اما خشونت‌ها و ناامنی‌ها در شهر به طور تصادفی توزیع نشده‌اند چرا که فضایی با عناوین آلوده بودن و یا

1- Urban Sprawl

2- Jacobs

نامن بودن، محل اتفاق افتادن انواع و اقسام خشونت‌های شهری است درحالی که در سطحی دیگر هیچ گونه خشونت‌ی رخ نمی‌دهد یا ناامنی کمتر است.

شهر با تمامی لایه‌های خود (فرم کالبدی، کاربری فعالیت، سیمای فضا، حرکت و دسترسی و استخوان بندی فضاها همگانی) می‌تواند به ایجاد فضایی امن و مطمئن کمک شایانی نماید و فضایی اجتماع‌گرا به وجود آورد و شهروند را به مکث و جمع شدن تشویق کند و برعکس به تعبیر ادوارد هال^۱ فضا به لحاظ کالبدی نیز می‌تواند بازدارنده‌ی ارتباط اجتماعی بوده و فضایی اجتماع‌گریز پدید آورد (هال، ۱۹۷۶: ۱۲۲).

کمبود امنیت، احساس خطر و ترس از جرم و جنایت در محیط‌های شهری موجب کاهش استفاده از عرصه‌های همگانی و عدم کارایی محیط‌های شهری می‌گردد و بدون احساس امنیت، فضای شهری عرصه‌ی حضور و تعاملات اجتماعی شهروندان نخواهد بود بنابراین می‌توان گفت در جهان امروز امنیت شهری یکی از مسائل مورد توجه در معماری و شهرسازی و جامعه‌شناسی شهری است چرا که به این نتیجه رسیده‌اند که نمی‌توان فرد را در بین اقدامات مراقبتی قرار داد بدون اینکه اطراف و شرایط پیرامون او را آماده نمود؛ به واقع نباید فرد را در محیط فاقد امنیت رها نمود و از او توقع داشت که خودش از تمامیت، اموال و حیثیت خود دفاع نماید.

جرایم محدود به شهر نیستند ولی اغلب در شهرها صورت می‌گیرند و بیشترین جرایم در خیابان‌ها اتفاق می‌افتند، با این وصف آیا نحوه‌ی معماری ساختمانها و طراحی خیابانها و محله‌های شهری، می‌تواند در وقوع جرم و ناامنی و میزان آن نقشی ایفا نماید؟ بعضی از فضاها شهری به سبب عواملی متعدد از جمله کالبدی و اجتماعی به صورت بالقوه پذیرای آسیب‌های اجتماعی و اعمال مغایر با هنجارهای جامعه هستند. (فیالکوف^۲، ۱۳۸۸: ۹۲).

به عقیده‌ی زوکین^۳ مردم در فضاها شهری با انواع تهدیدها مانند جرم، تروریسم، آلودگی هوا، زلزله و سیل، تداخل حرکت وسایل نقلیه و پیاده‌روها روبرو هستند؛ بنابراین از منظر وی

1- Edward Hall
2- Fiyalcov
3- Zukin

شهر چهارراهی برای عبور نیست بلکه سکونت‌گاهی برای زندگی است. خیابان‌ها و فضاهای شهر محل گذر نیستند بلکه مکان اقامتند.

نتایج تحقیقات درباره‌ی رابطه‌ی فضاهای بی‌دفاع و احساس امنیت نشان می‌دهد احساس ناامنی مانع حضور مردم شده و محدودیت دسترسی در فضای شهری ایجاد می‌کند و زوال عرصه‌ی عمومی را به دنبال دارد و فضای عمومی جذابیت خود را برای جمع‌آوری شهروندان در کنار یکدیگر از دست می‌دهد (مدیری، ۱۳۸۵: ۱۲).

با توجه به موارد بالا تحقیق حاضر در صدد ارزیابی میزان احساس امنیت شهروندان تهرانی و مقایسه‌ی این احساس امنیت در فضاهای با دفاع و بی‌دفاع شهری در شهر تهران و تعیین عوامل مؤثر بر این احساس امنیت است؛ به عبارت دیگر تحقیق در صدد پاسخ به سؤالات زیر است:

۱- احساس امنیت شهروندان در فضاهای با دفاع و بی‌دفاع شهری تهران چگونه است؟

۲- چه عواملی در احساس امنیت شهروندان مؤثر هستند؟

مبانی نظری

صاحب‌نظران مکتب شیکاگو اولین کسانی بودند که به مسأله‌ی شهر و بی‌سازمانی‌های موجود در آن اشاره کرده‌اند. رابرت پارک و برجس^۱ بر این باور بودند که در منطقه‌ی انتقالی شهر به دلیل سطح بالای تحرک جمعیت، ناپایداری جمعیتی، مهاجری پذیر بودن، گمنامی افراد، خانه‌های منخروبه، ازدحام جمعیت و... بالاترین نرخ جرم و بزهکاری مشاهده می‌شود (احمدی، ۱۳۸۷: ۸۳). مک کی^۲ معتقد بود کژرفتاریها در این نقطه از شهر به این دلیل رخ می‌دهد که کنترل اجتماعی غیر رسمی مانند افکار عمومی و نظارت همگانی آنقدر قوی نیست که از پیدایش و بروز نابهنجاری جلوگیری کند (همان: ۸۴) لویس ورث^۳ در مقاله‌ی معروف خود "شهرگرایی به مثابه‌ی شیوه‌ای از زندگی" شهر را چنین تعریف می‌کند: قرارگاهی نسبتاً بزرگ، مترکم، دائمی افراد که به لحاظ اجتماعی و فرهنگی ناهمگونند؛ گمان

1- Robert Park & Berjes

2- Mc Key

3- Louis Werth

وی زندگی شهری ابزار رسمی کنترل اجتماعی را جایگزین ابزار غیررسمی آن می‌کند. جماعت عظیم شهریان مکانیسم رقابت و کنترل رسمی را جانشین وجدان عمومی می‌سازند (سروستانی، ۱۳۶۹: ۲۰۶).

به اعتقاد دیوید چپمن^۱ خصوصیات کالبدی فضا مستعد تأثیرگذاری بر رفتار هستند چرا که وضع و شکل فضا می‌تواند در ایجاد آسایش یا ناراحتی مؤثر باشد (چپمن، ۱۳۸۶: ۱۷۹). جاکوب^۲ به مسأله‌ی امنیت و نیز عوامل بازدارنده‌ی فضایی و کالبدی اشاره نموده است؛ به گمان وی نشانه‌ی یک شهر موفق آن است که فرد در خیابان‌ها و کوچه‌ها و دیگر فضاهای شهر که مملو از غریبه است، احساس امنیت و اطمینان کند و نباید خود به خود احساس کند که مورد تهدید است (جاکوب؛ ۱۹۸۱: ۲۴). جاکوبس بر نقش ساکنان-چشم‌های در خیابان- و پهنه‌ای که آنها مراقبت می‌کنند تأکید می‌کند. اگر انسان مشاهده کند که کنترل اعمال می‌شود، آنگاه احساس امنیت تولید خواهد شد. این مدل به ما کمک می‌کند که رابطه بین محیط خود و ترس از جرم و ناامنی را به دو طریق توضیح دهیم: اول به طریق مستقیم یعنی اینکه علائم جرم و ناامنی می‌تواند نشان‌دهنده‌ی خطر واقعی باشد؛ دوم: بطور غیرمستقیم یعنی ترس از جرم و ناامنی حاصل ویژگی‌های محیط شهری یا همان نشان‌هاست (همان منبع، همان صص).

کوبین لینچ^۳ اهمیت زیادی به الگوهای ذهنی و تصویری مردم می‌دهد و تمام تلاش وی شناخت رابطه‌ی متقابل فضای فیزیکی و فضای ذهنی خاطر است که در الگوهای رفتاری مشاهده‌کننده‌ی مؤثر واقع شده و متقابلاً در نحوه‌ی استفاده از فضای فیزیکی و کاربرد آن تأثیر می‌گذارد (لینچ، ۱۳۸۳: ۲۶۵).

راجر ترانسیک^۴ در کتاب بازیابی فضاهای گمشده^۵ به مسأله‌ی فضاهای بی استفاده یا فضاهایی که استفاده‌ی کافی از آنها به عمل نمی‌آید، توجه می‌کند. از نظر او فضاهای شهری

1- David Chapman

2- Jacobs

3- Queen Linch

4- Roger Trancik

5- Finding Lost Space

بی‌استفاده، فضاهایی هستند که هیچگونه اثر مثبتی در محیط اطراف و استفاده‌کنندگان ندارند، فضاهایی که به طور ضعیفی تعریف شده‌اند. مرز و محدوده‌ی قابل اندازه‌گیری ندارند و میان عناصر شهر پیوستگی ایجاد نمی‌کنند. این فضاها بقایای زمین‌های اطراف ساختمان‌های مرتفع، میدان‌های بدون استفاده، پارکینگ‌ها و زمین‌هایی است که در حاشیه‌ی راه‌ها وجود دارد و بدون حضور انسان رها شده‌اند و هیچکس به محتوای آنها اهمیت نمی‌دهد (ترانسیک، ۱۹۸۶، ۱۱۸).

راپوپورت^۱ اساس شکل‌گیری فضاهای زیستی را در فرهنگ مردم جستجو می‌کند و تفاوت فضای کالبدی را ناشی از تفاوت فرهنگ می‌داند.

هرچند اولین بحث‌ها در مورد رابطه‌ی جرم و فضای شهری در شهر شیکاگو و توسط مکتب شیکاگو در دهه‌های ۲۰ و ۳۰ میلادی شکل گرفت، اما اولین تئوری‌های منجم که بر جنبه‌ی محیطی جرائم تأکید داشتند، در دهه‌ی ۶۰ میلادی شکل گرفتند که در ادامه به چند مورد اشاره می‌شود:

تئوری فضاهای قابل دفاع

فضاهای قابل دفاع نظریه‌ای در حیطه طراحی است که بر نحوه‌ی ساکن شدن شهروندان و تجربه‌ی او از استفاده‌ی فضا اشاره دارد. آنچه الهام‌بخش و سرمنشأ اصلی این تئوری بوده است. مشاهدات و نوشته‌های اسکار نیومن^۲ از فضاها و مکان‌ها است. قلمروگرایی^۳، نظارت^۴، تعریف مرز^۵، تصویر و فضای اجتماعی^۶ چهاراصل نظریه‌ی فضاهای قابل دفاع می‌باشد.

نظریه‌ی پنجره‌های شکسته

تئوری «پنجره‌های شکسته» یا «جام شکسته» توسط ویلسون و کلینک مطرح شد. این نظریه

1- Port

2- Oscar newman

3- Territoriality

4- Surveillance

5- Boundary Defintion

6- Imange and Milieu

حکایت از این دارد که پیوند مستقیمی میان ظاهر آشفته و بی‌نظمی خیابان‌ها و ساختمان‌ها و وقوع جرم وجود دارد. اگر حتی یک پنجره‌ی شکسته در یک محله بدون تعمیر، به همان حال باقی بماند، می‌تواند نشانه و پیامی برای مجرمان بالقوه باشد که پلیس و اهل محل اعتنایی به اوضاع محل ندارند. پنجره‌های شکسته ممکن است با نشانه‌های دیگری از آشفته‌گی و بی‌نظمی همراه باشد مثل دیوارهای کثیف، خرابی، ماشین‌های اوراق، زباله ... آنگاه چنین منطقه‌ای فرایند تدریجی انحطاط و زوال را آغاز می‌کند.

تئوری پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی^۱

نظریه‌ی پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی با تمایز از هسته‌ی تئوری معماری‌گونه‌ی فضاهای قابل دفاع توسط ری جفری^۲ و در واکنش به ناکارآمدی دستگاه قضایی و جنایی در پیشگیری از جرم طرح‌ریزی شد. جفری در دهه‌ی هفتاد نوشته‌های خود را متمرکز بر رابطه میان انسان و محیط کرد تا بدین ترتیب بتواند راهی برای فایق آمدن بر جرایم از خلال محیط پیرامون بیابد.

اگرچه توجه این نظریه‌ی علاوه بر واحدهای مسکونی که در نظریه فضاهای قابل دفاع مورد تأکید قرار گرفته، بر فضاها و کاربری‌های ارضی دیگر نیز بسط یافته است، کرو^۳ در تحقیقی دیگر استراتژی اصلی نظریه فوق را تشخیص داده است. این استراتژیها در جدول زیر جمع‌بندی شده است.

جدول شماره ۱: رابطه میان فضاهای قابل دفاع و استراتژی‌های CPTED

اصول فضاهای قابل دفاع (نیومن)	استراتژی‌های CPTED (کرو)
قلمروگرایی - تعریف مرز	تعریف مرزهای فضاهای کنترل شده
قلمروگرایی - تعریف مرز - کنترل دسترسی	نشانه‌گذاری مناطق گذار
نظارت - کنترل دسترسی	توجه مستقیم به نواحی‌ای که اجتماعات در آنجا تشکیل می‌شود
تصویر و فضای اجتماعی و فرهنگی (تولید فعالیت)	جایگزینی فعالیت‌های ایمن در مناطق ناامن

1- Crime Prevention Through Environmental Design(CPTED)

2- Rey Jeffri

3- Crowe

از بین بردن فعالیت‌های ناامن در مناطق امن	تصویر و فضای اجتماعی و فرهنگی (تولید فعالیت)
کاهش اصطکاک به کمک موانع طبیعی	تعریف مرز - کنترل دسترسی
افزایش نظارت طبیعی در فضا به کمک نواحی	
زمان‌بندی بهتر در فضا	
غلبه بر فاصله و جدابودگی به کمک ارتباطات	

تئوری پیشگیری وضعی از جرم^۱

در سال ۱۹۹۷ کلارک^۲، ماتریسی شانزده‌گانه از تکنیک‌های کاهش فرصت جرم ارائه داد که در جدول زیر آمده است که در آن علاوه بر سه اصل افزایش زحمت، کاهش پاداش و افزایش ریسک، متغیر دیگری به نام از بین بردن بهانه را نیز به آن افزود (کلارک؛ ۱۹۹۷: ۱۲۱).

جدول شماره ۲: تکنیک‌های شانزده‌گانه‌ی کاهش فرصت‌ها

افزایش زحمت	افزایش ریسک	کاهش پاداش	از بین بردن بهانه
۱- سخت کردن هدف، دستگاه قفل مرکزی، قفل ماشین دوربین	۵- دوربین ورودی و خروجی، درب‌های اتوماتیک، کنترل کیف و ساک، برچسب برای کالاها	۹- جابجایی اهداف، ضبط ماشین پنل دار، پناهگاه بانوان، رمزدارکردن موبایل‌ها	۱۳- قانون‌نمذکردن، اظهار به مشتریان، مشخص کردن موارد اذیت و آزار ثبت اسامی در هتل‌ها
۲- کنترل دسترسی کنترل ورود و خروج ماشین در پارکینگ‌ها، نصب دوربین در ورودی	۶- نظارت رسمی، دوربین مدار بنفش، زنگ خطر هنگام دزدی، نگهبانان امنیتی	۱۰- هویت دار کردن دارایی‌ها؛ به نام کردن دارایی، صدور مجوز برای وسایل نقلیه، داشتن شماره شناسایی اموال	۱۴- افزایش آگاهی، نصب سرعت سنج
۳- گمراه کردن متخلفان - قراردادن ایستگاه اتوبوس - مکان‌های مشخص	۷- نظارت به وسیله‌ی کارمندان؛ نصب تلفن همگانی، پارکبان، دوربین	۱۱- کاهش موقعیت‌های وسوسه‌انگیز؛ فضاهاى مختلط (جنسیت)، پارکینگ‌های	۱۵- کنترل قوانین؛ سن قانونی مشروب نوشیدن، کنترل الکل خون، دستگاه‌های

1- Situational Crime Prevention

2- Clarke

کنترل‌کننده یکانال‌های تلویزیون	شخصی - تعمیر و بازسازی سریع	مدار بسته	- مشروب فروشی - بازبودن محوطه خیابان
۱۶- آسان کردن شرایط؛ کتب خروجی کتابخانه، دستشویی‌های عمومی، نصب سطل زباله	۱۲- نفع کردن سود؛ برچسب الکترونیکی بر کالاها، پین کد برای ضبط ماشین، پاک کردن دیوارها از نوشته‌ها	۸- نظارت طبیعی؛ فضای قابل دفاع، روشنی خیابان، تاکسیرانان با کارت شناسایی	۴- کنترل کردن کارت شناسایی عکس‌دار، کنترل کردن مجوز اسلحه، دستگاه caller ID

در ادامه‌ی این روند در اوایل دهه‌ی ۹۰ میلادی، رویکردی جدید در جرم‌شناسی محیطی پدید آمد که به ظهور مفاهیم و روندهایی جدید در این حیطه منجر می‌شود؛ این مفاهیم ذیل سه نظریه‌ی جدید شکل و انسجام یافتند:

الف) نظریه‌ی گرامر فضا^۱

ب) شهرگرایی جدید^۲

ج) ریزومیک شدن جرایم

این نظریات کلاسیک جرائم مکان‌محور غالباً از شاخه‌های متفاوتی مانند معماری، طراحی شهری، جرم‌شناسی، جغرافی و جامعه‌شناسی مشتق شده‌اند.

خلاصه‌ی چهارچوب تئوریک موضوع مورد مطالعه

با توجه به نظریات ارائه شده در تحقیق حاضر از تئوریهای فضای قابل دفاع (نیومن)، پنجره‌ی شکسته (ویلسون)، نظریه‌ی ری جفری، پیشگیری وضعی از جرم (کلارک)، فرصت‌های نظارتی (جاکوب) و نظریه‌ی تفاوت فرهنگی (آموس راپوپورت) و نظریه‌ی تراکم جمعیت به منظور تبیین موضوع مورد مطالعه استفاده شده است. از این منظر مجموعه‌ای از نشانه‌های محیطی و فیزیکی از قبیل روشنایی ضعیف در شب، مکان‌های مناسب برای اختفای مجرمان، خلوتی و تاریکی (مثل زیرگذرها)، محاط بودن و نبود فرصت نظارتی (مثل برخی پارکها)، بی نظمی و فرسودگی (مثل ساختمانهای مخروبه و متروکه)،

1- Space Syntax Theory

2- New Urbanism

مکانهای بدون متولی (مثل ساختمانهای رها شده)، نبود امکان فرار (مثل کوچه‌های تنگ و باریک)، عدم رؤیت‌پذیری (مثل باغات درون شهر)، نبود فرصت نظارتی (مثل راه پله‌ها و پارکینگ‌ها)، بی‌ثباتی و ناپایداری جمعیت (مثل پایانه‌های مسافری)، ازدحام و تراکم جمعیت (مثل ایستگاههای مترو)، پیش‌فرض عدم امنیت که همراه با احساس ناامنی بوده، مد نظر قرار گرفته است. بر این اساس طراحی و معماری نامناسب فضای شهری، عدم نظارت مداوم بر عرصه‌ی فضاهای شهری تراکم پایین جمعیت، حضور افراد غریبه و پیش‌فرض عدم امنیت از جمله عوامل تشدیدکننده‌ی احساس ناامنی شهروندان بوده است.

بر اساس نظریات بالا و با توجه به خلاصه‌ی چهارچوب تئوریک فرضیات زیر در این تحقیق مورد آزمون واقع شده اند:

۱- احساس ناامنی شهروندان تهرانی، در فضای شهری بی دفاع بیشتر از فضای شهری بادفعا است.

۲- احساس ناامنی مالی، جانی، ناموسی و روانی شهروندان تهرانی، در فضاهای شهری بی دفاع بیشتر از فضاهای شهری بادفعا است.

۳- طراحی و معماری نامناسب فضای شهری، بر افزایش احساس ناامنی شهروندان مؤثر است.

۴- عدم نظارت مداوم بر عرصه‌ی فضاهای شهری، بر افزایش احساس ناامنی شهروندان مؤثر است.

۵- تراکم پایین جمعیت در فضاهای شهری، بر افزایش احساس ناامنی شهروندان مؤثر است.

۶- حضور افراد غریبه در فضاهای شهری، بر افزایش احساس ناامنی شهروندان مؤثر است.

۷- پیش‌فرض عدم امنیت فضاهای شهری، بر افزایش احساس ناامنی شهروندان مؤثر است.

روش تحقیق

در تحقیق حاضر روش تحقیق پیمایش بوده که با استفاده از ابزار پرسشنامه‌ی محقق‌ساخته برای سنجش متغیرهای تحقیق انجام شد. نمونه‌ی آماری تحقیق را ۴۰۰ نفر از شهروندانی که در زمان مطالعه در فضاهای منتخب با دفاع و بی شهری حضور داشتند، تشکیل می‌دادند که

از هر منطقه ۸۰ نفر مورد آزمون قرار گرفتند. فضاهای منتخب با دفاع و بی دفاع بر اساس نمونه‌ی تحقیق در جدول شماره‌ی ۳ آورده شده است.

جدول شماره‌ی ۳: فضاهای با دفاع و بی دفاع منتخب برای نمونه‌گیری

ردیف	حوزه	منطقه	فضای با دفاع	فضای بی دفاع
۱	شمال	دو	پارک نهج البلاغه، خیابان ایران زمین	پارک ملت، خیابان نصرت، پل هوایی عابران میدان صنعت
۲	غرب	پنج	پاساژ بوستان، پل هوایی عابران ستارخان	پایانه‌ی مسافربری غرب، ایستگاه مترو صادقیه، مجتمع‌های مسکونی اکباتان
۳	شرق	چهار	پارک پلیس، خیابان امین، خیابان حجرین	پایانه مسافربری شرق، اتوبان شهید باقری، ایستگاه مترو فرهنگسرای اشراق، پارک لویزان
۴	مرکز	دوازده	بازار سپهسالار، خیابان مجاهدین اسلام، کوچه‌های خیابان ایران، چهار راه مخبرالدوله	خیابان ناصرخسرو، کوچه‌های پامنار، بازار سستی تهران، ایستگاه مترو امام خمینی
۵	جنوب	نوزده	بوستان ولایت	بازارعبدل آباد

به منظور سنجش میزان اعتبار ابزار تحقیق، از تکنیک تحلیل عاملی استفاده گردید؛ به‌این‌ترتیب که گویه‌هایی که در هیچ‌کدام از عامل‌های یک مقیاس جای نگیرند به عنوان گویه‌ای که موضوع دیگری را می‌سنجد حذف شدند. برای سنجش روایی مقیاس‌ها، از تکنیک آلفای کرونباخ استفاده شده است. روش کار در این تکنیک به این صورت است که آلفای یک مقیاس در صورتی که کمتر از ۰/۸۵ باشد، آن مقیاس ناپایا شناخته شده و در این صورت باید گویه‌هایی را که در ناپایا بودن مقیاس تأثیر بیشتری دارند، برای افزایش آلفا حذف نمود. نتایج این آزمون نشان داد پرسشنامه‌ی تحقیق دارای آلفای کرونباخ ۰/۸۹ است که برای انجام تحقیق قابل قبول بود.

الف- یافته‌های توصیفی

همان‌گونه که در جدول زیر مشاهده می‌گردد در همه‌ی گویه‌های شاخص، احساس ناامنی مالی، احساس ناامنی شهروندان در فضای بی‌دفاع بیشتر از فضای بادفاع است و میانگین کلی شاخص احساس ناامنی مالی نیز در فضای بی‌دفاع از فضای بادفاع کمتر است. همچنین

میانگین گویه‌های شاخص «احساس ناامنی جانی» نشان می‌دهد در همه‌ی گویه‌های این شاخص، احساس ناامنی شهروندان در فضای بی دفاع بیشتر از فضای بادفعا است و میانگین کلی شاخص احساس ناامنی جانی نیز در فضای بی دفاع از فضای بادفعا کمتر است. البته در دو گویه‌ی دارای بار معنایی متفاوت با بقیه‌ی گویه‌ها، احساس امنیت جانی در فضای بادفعا از فضای بی دفاع بیشتر است.

جدول شماره‌ی ۴: میانگین شاخصهای ناامنی مالی، جانی

ابعاد مولفه ناامنی مالی	فضای بی دفاع	فضای با دفاع
احساس ناامنی مالی	۳.۲۱	۲.۸۳
۱- احساس خطر از همراه داشتن اشیاء گران‌قیمت	۳.۵۰	۳.۲۳
۲- نگرانی از سرقت یا دزدی	۳.۱۹	۲.۹۲
۳- ترس از زورگیری و باجگیری افراد شرور	۲.۸۹	۲.۵۵
۴- ترس از مخفی شدن دزدان یا کیف‌قاپان	۲.۷۷	۲.۲۸
۵- ترجیح به همراه نداشتن طلا و جواهر	۳.۷۹	۳.۵۹
۶- مشاهده‌ی دزدی و سرقت اموال شهروندان	۳.۴۶	۲.۷۸
۷- وجود افراد متکدی و دوره‌گرد	۳.۰۴	۲.۴۶
ابعاد مؤلفه‌ی ناامنی جانی	فضای بی دفاع	فضای با دفاع
احساس ناامنی جانی	۳.۱۶	۲.۷۹
۱- ایمن و بی خطر بودن مکان	۳.۰۲	۳.۶۳
۲- نگرانی از حمله‌ی افراد خطرناک	۲.۹۱	۲.۳۹
۳- مشاهده‌ی نزاع و درگیری در فضا	۳.۰۸	۲.۴۶
۴- تشویش از دور شدن فرزندان	۳.۷۹	۳.۹۲
۵- مشاهده‌ی افراد بی‌خانمان و پرسه‌زن	۳.۰۵	۲.۴۱
۶- نبود کنترل و نظارت لازم برای ایجاد امنیت در مکان	۲.۹۸	۲.۵۵
۷- احتمال کمک دیگران در صورت مزاحمت	۳.۳۲	۳.۴۲

میانگین گویه‌های احساس ناامنی روانی

همان‌گونه که در جدول شماره‌ی ۵ مشاهده می‌گردد در همه‌ی گویه‌های شاخص، احساس ناامنی روانی، احساس ناامنی شهروندان در فضای بی‌دفاع بیشتر از فضای بادفاع است و میانگین کلی شاخص احساس ناامنی روانی نیز در فضای بی‌دفاع از فضای بادفاع کمتر است. البته در دو گویه‌ی دارای بار معنایی متفاوت با بقیه‌ی گویه‌ها، احساس امنیت روانی در فضای بادفاع از فضای بی‌دفاع بیشتر است. همچنین میانگین گویه‌های مربوط به شاخص «احساس ناامنی ناموسی» نشان می‌دهد در همه‌ی گویه‌های این شاخص، احساس ناامنی شهروندان در فضای بی‌دفاع بیشتر از فضای بادفاع است و میانگین کلی شاخص احساس ناامنی روانی نیز در فضای بی‌دفاع از فضای بادفاع کمتر است.

جدول شماره‌ی ۵: میانگین نامنی روانی و ناموسی

ابعاد مؤلفه‌ی ناامنی روانی	فضای بی‌دفاع	فضای با دفاع
احساس ناامنی روانی	۲۸۷	۲۴۴
۱- احساس امنیت و آرامش از بودن در مکان	۳۲۹	۳۶۸
۲- مشاهده‌ی مصرف مواد مخدر	۲۴۶	۲۱۳
۳- مشاهده‌ی عربده‌کشی یا چاقوکشی ارادل	۲۴۷	۲۰۷
۴- تمایل به حضور مجدد در این مکان	۳۴۳	۳۷۶
۵- عدم تمایل به حضور در ساعات شب در این مکان	۳۶۹	۳۳۷
۶- عدم تمایل به ایجاد ارتباط با افراد غریبه و ناشناس	۳۴۶	۳۱۲
۷- پاکیزه نبودن و کثیف بودن فضای مکان (۵-۱)	۲۷۳	۲۰۳
ابعاد مؤلفه‌ی ناامنی ناموسی	فضای بی‌دفاع	فضای با دفاع
احساس ناامنی ناموسی	۳۲۱	۲۸۱
۱- تنه زنی مردان به زنان	۳۴۴	۲۹۶
۲- متلک‌گویی به زنان توسط برخی افراد	۳۸۰	۳۶۹
۳- وجود افرادی که در صورت بروز مشکل کمک	۲۶۰	۲۵۹

		کنند
۲۸۵	۳۰۴۳	۴- نگاه‌های غریبه و نامناسب
۲۸۱	۲۰۶۷	۵- احساس خطر به خاطر حضور آدمهای هرزه و فاسد
۲۰۱۹	۳۰۰۴	۶- شنیدن الفاظ رکیک، ناشایست و ناسزا
۲۰۲۳	۲۰۹۰	۷- عدم تمایل به حضور مکرر در مکان

ب- یافته‌های استنباطی

آزمون فرضیات

به منظور آزمون فرضیات اول و دوم تحقیق از آزمون تی تست استفاده گردید که نتایج در قالب جداول شماره‌ی ۶ و شماره‌ی ۷ آورده شده است.

جدول شماره‌ی ۶: آزمون فرضیه‌ی اول

معناداری	اشتباه استاندارد میانگین	انحراف معیار	میانگین	حجم نمونه	فضای شهری	متغیر وابسته
۰/۰۰۰	۱۰۰۴۳۸۹	۱۶۰۷۰۲۲۹	۸۷۰۱۶	۲۵۶	بی دفاع	احساس
	۱۰۳۱۳۹۴	۱۵۰۵۴۶۷۶	۷۶۰۳۲	۱۴۰	با دفاع	نامنی

درجه‌ی معناداری به دست آمده رابطه‌ی احساس نامنی و فضای شهری برابر با (۰/۰۰۰) = sign است که کوچک‌تر از میزان آلفای قابل قبول در تحقیقات علوم اجتماعی است. بنابراین دلیل و مدرک کافی برای رد فرضیه‌ی صفر تحقیق وجود دارد و فرضیه اصلی مورد پذیرش قرار می‌گیرد. با توجه به میانگین احساس نامنی در دو گروه فضاهای بی دفاع و بادفعا مشخص است که فضاهای شهری بی دفاع شهر تهران احساس امنیت کمتری را به شهروندان تهرانی بخشیده‌اند و در فضاهای شهری با دفاع احساس امنیت شهروندان بیشتر است.

جدول شماره‌ی ۷: آزمون فرضیه دوم

معناداری	اشتباه استاندارد	انحراف معیار	میانگین	حجم نمونه	فضای شهری	ابعاد متغیر وابسته
۰/۰۰۰	۰.۳۴	۵.۵۳	۲۲.۵۰	۲۵۷	بی دفاع	نامنی مالی
	۰.۴۹	۵.۸۶	۱۹.۸۱	۱۴۰	با دفاع	
۰/۰۰۰	۰.۲۷	۴.۴۴	۲۲.۱۲	۲۵۷	بی دفاع	نامنی جانی
	۰.۳۴	۴.۰۹	۱۹.۵۳	۱۴۰	با دفاع	
۰/۰۰۰	۰.۳۲	۵.۱۶	۲۰.۰۸	۲۵۷	بی دفاع	نامنی روانی
	۰.۳۹	۴.۶۶	۱۷.۲۸	۱۴۰	با دفاع	
۰/۰۰۰	۰.۳۲	۵.۲۱	۲۲.۵۱	۲۵۷	بی دفاع	نامنی ناموسی
	۰.۴۴	۵.۲۹	۱۹.۶۸	۱۴۰	با دفاع	

درجه‌ی معناداری به دست آمده برای رابطه بین ابعاد متغیر وابسته احساس نامنی و فضای شهری برابر با ($\text{sign} = 0.000$) است که کوچک‌تر از میزان آلفای قابل قبول در تحقیقات علوم اجتماعی است. بنابراین دلیل و مدرک کافی برای رد فرضیه‌ی صفر تحقیق وجود دارد و فرضیه‌ی اصلی مورد پذیرش قرار می‌گیرد. با توجه به میانگین احساس نامنی در چهار مؤلفه‌ی «احساس نامنی مالی»، «احساس نامنی جانی»، «احساس نامنی روانی» و «احساس نامنی ناموسی» مشخص است که در همه‌ی ابعاد بالا، شهروندان در فضاهایی که به عنوان فضای بی دفاع و ناامن تلقی شده است، احساس امنیت کمتری را منعکس کرده‌اند و در همه‌ی مؤلفه‌های چهارگانه‌ی مورد مطالعه نیز در فضاهایی که به عنوان فضای بادفعا و ایمن تعریف شده است، شهروندان تهرانی از احساس امنیت بیشتری برخوردارند.

به منظور آزمون فرضیات سوم و چهارم تحقیق پس از آزمون نرمال بودن و استقلال خطای واریانس متغیرهای مورد بررسی که نشانگر امکان استفاده از آزمون رگرسیون بود، از این آزمون استفاده گردید که نتایج در قالب جداول شماره‌ی ۸ و شماره‌ی ۹ آورده شده است.

جدول شماره ۸: مدل رگرسیونی تحقیق برای پیش‌بینی احساس ناامنی

مدل	ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تعیین	ضریب تعیین اصلاح شده
پیش‌بینی احساس ناامنی از روی متغیرهای پیش‌بین	.۹۵۷	۸۱۶	.۷۹۱

در جدول بالا مقادیر ضریب همبستگی چندگانه، ضریب تعیین و ضریب تعیین تعدیل شده مشاهده می‌شود. در این جدول مقدار ضریب تعیین تعدیل شده بسیار مهم بوده و میزان برازندگی مدل را نشان می‌دهد. مقدار این ضریب بین ۰ تا یک است، که هرچه به یک نزدیک‌تر شود، دقت بیشتر مدل را نشان می‌دهد. همانطور که ملاحظه می‌شود این مقدار در تحلیل بالا برابر با ۰/۷۴ است که نشان می‌دهد ۷۴ درصد تغییرات احساس امنیت به متغیرهای مستقل وابسته است. از آنجا که مقدار ضریب رگرسیون معنادار است، می‌توان به وسیله‌ی جدول ضرایب رگرسیون استاندارد شده و استاندارد نشده، میزان اهمیت و معناداری هر یک از مؤلفه‌های متغیرهای مستقل را در تعیین متغیر وابسته به تفکیک مشخص کرد که این امر در قالب جدول شماره ۹ آورده شده است.

جدول شماره ۹: ضرایب رگرسیون

سطح معناداری	ضرایب استاندارد نشده		متغیرهای مستقل
	Beta	خطای استاندارد	
.۰۰۱		.۳۲۳	(Constant)
.۰۰۰	.۳۰۲	.۱۲۴	طراحی و معماری نامناسب فضای شهری
.۰۰۰	.۳۱۴	.۰۳۶	عدم نظارت مداوم بر عرصه فضاهای شهری
.۰۰۱	.۲۸۱	.۱۱۴	تراکم پایین جمعیت
.۰۰۰	.۲۲۳	.۰۲۱	حضور افراد غریبه
.۰۰۲	.۱۹۴	.۰۳۸	پیش‌فرض عدم امنیت

با توجه به نتایج جدول می‌توان گفت که تمام فرضیات تحقیق مورد تأیید قرار گرفته است، حال با توجه به ضریب بتا و فارغ از تأیید یا عدم تأیید فرضیات می‌توان گفت تغییری به اندازه‌ی یک انحراف معیار منجر به تأثیر متغیرهای عدم نظارت مداوم بر عرصه‌ی فضاهای شهری به میزان (۰/۳۱۴)، طراحی و معماری نامناسب فضای شهری به میزان (۰/۳۰۲)، تراکم پایین جمعیت به میزان (۰/۲۸۱)، وجود افراد غریبه به میزان (۰/۲۲۳) و پیش‌فرض عدم امنیت به میزان (۰/۱۹۴) در میزان متغیر وابسته احساس ناامنی می‌شود. با توجه به جداول بالا و براساس متغیرهای پیش‌بین معنادار معادله‌ی رگرسیون برای احساس ناامنی به صورت زیر به دست آمده است:

احساس ناامنی شهروندان تهرانی: $1.007 +$ عدم نظارت مداوم بر عرصه‌ی فضاهای شهری (۰/۳۱۴) + طراحی و معماری نامناسب فضای شهری (۰/۳۰۲) + تراکم پایین جمعیت به میزان (۰/۲۸۱) + حضور افراد غریبه به میزان (۰/۲۲۳) + پیش‌فرض عدم امنیت به میزان (۰/۱۹۴).

با توجه به معادله بالا می‌توان اذعان نمود که یک واحد تغییر در احساس ناامنی با عرض از مبدأ 1.007 به میزان 0.314% از طرف عدم نظارت مداوم بر عرصه‌ی فضاهای شهری، به میزان 0.302% از سوی طراحی و معماری نامناسب فضای شهری، به میزان 0.281% از طرف تراکم پایین جمعیت، به میزان 0.223% از طرف حضور افراد غریبه و به میزان 0.194% از طرف پیش‌فرض عدم امنیت ایجاد می‌شود. به عبارت دیگر هر 0.31% واحد تغییر در عدم نظارت مداوم بر عرصه‌ی فضاهای شهری یک واحد احساس ناامنی شهروندان تهرانی را تغییر می‌دهد، هر 0.30% واحد تغییر در طراحی و معماری نامناسب فضای شهری یک واحد متغیر وابسته را تغییر می‌دهد، هر 0.28% واحد تغییر در تراکم پایین جمعیت یک واحد به احساس ناامنی اضافه می‌نماید، هر 0.22% واحد تغییر در حضور افراد غریبه متغیر وابسته را یک واحد می‌افزاید و هر 0.19% واحد تغییر در پیش‌فرض عدم امنیت یک واحد به احساس عدم امنیت تهرانی‌ها اضافه می‌نماید.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش احساس امنیت را در چهار بعد (احساس امنیت روانی، احساس امنیت مالی،

احساس امنیت جانی و احساس امنیت ناموسی) سنجیده است که نتایج نشان داد که در هرچهار مؤلفه‌ی ذکر شده، احساس امنیت شهروندان تهرانی در فضاهای بادفای شهر تهران به طرز معناداری از فضاهای بی‌دفاع شهر تهران بیشتر است. این موضوعات در نظریات تبیینی پژوهش نیز مورد توجه قرار گرفته بود. بر حسب رویکرد مکانی شرایط فیزیکی و محیطی، برخی نقاط شهر تهران می‌تواند به گونه‌ای مؤثر احساس امنیت شهروندان را افزایش دهند. این امر در نظریات جاکوبسن با عنوان «چشم‌ها در خیابان‌ها»، در نظریات نیومن با عنوان «فضای قابل دفاع» و در نظریات ویلسون با عنوان «پنجره‌ی شکسته» مورد توجه قرار گرفته بود. در این رویکرد تصور بر این است که رابطه‌ای بین مکان و رفتار وجود دارد و رفتار می‌تواند با توجه به تأثیر مکان اصلاح گردد و با طراحی مناسب، محیط فیزیکی قادر خواهد بود با از بین بردن گوشه‌های پنهان، مکان‌های مخفی، راه‌های مناسب فرار مانع رفتارهای مجرمانه شود؛ به گونه‌ای که در شهر تهران ملاحظه شد فضاها و مکان‌هایی که طراحی مناسب داشتند توان جرم‌خیزی‌شان کمتر و احساس رضایتمندی شهروندان بیشتر بود. در واقع محیط فیزیکی در تهران قادر است از طریق افزایش کنترل، مراقبت و نظارت فضاهای شهری، دسترس بودن و مداخله شهروندان در استفاده از فضا، باعث افزایش احساس امنیت شود. این رویکرد بر توانمندسازی محیط کالبدی شهر از بعد فیزیکی و کنترل و بازدارندگی در بعد مکان رفتارهای مجرمین تأکید داشته است و تحقیق حاضر نیز نشان داد ترس از قربانی شدن در فضاهای بی‌دفاع در حال افزایش و به تبع آن احساس امنیت در حال کاهش بوده است؛ یعنی مختصات فضاهای بی‌دفاع شهر تهران مثل پایانه‌های مسافری یا کوچه‌های تنگ و تاریک و شرایطی از این دست شهروندان را دچار تشویش، اضطراب، سردرگمی و ترس نموده و به افزایش احساس ناامنی منجر می‌گردد و برعکس فضای ایمن و بادفای باعث امنیت خاطر شده و عامل و مانع بازدارنده‌ی فرصت‌های ناامن‌کننده هستند. یافته‌ی دیگر نشان می‌دهد که شهروندان در انتخاب فضاهای ناامن در کل شهر تفاهم نسبی دارند. اکثریت آنها در مناطق مختلف شهری، ساختمانهای نیمه‌کاره و مخروبه، کوچه‌های خلوت و تاریک، مکان‌های پرازدحام را فضاهایی با امنیت کم ارزیابی می‌کنند. رویکرد دوم در بررسی عوامل مؤثر بر احساس امنیت رویکردی کاملاً اجتماع‌محور است بر اساس این رویکرد عواملی همچون تراکم پایین جمعیت، حضور افراد غریبه و پیش‌فرض

عدم امنیت، نقش بارزی در احساس امنیت شهروندان برعهده دارند. در تحقیق حاضر با توجه به دو رویکرد بالا در کنار عوامل کالبدی، عوامل اجتماعی نیز که نقش بسزایی در احساس امنیت شهروندان برعهده دارند، مد نظر قرار گرفته‌اند. عواملی همچون تراکم پایین جمعیت، حضور افراد غریبه و پیش‌فرض عدم امنیت از عوامل اجتماعی هستند که در احساس امنیت نقش بارزی ایفا می‌نمایند. از سوی دیگر عواملی همچون عدم نظارت مداوم بر عرصه‌ی فضاهای شهری و طراحی و معماری نامناسب فضای شهری از جمله عوامل کالبدی و محیطی بوده‌اند. با توجه به موارد کالبدی و اجتماعی بالا در تحقیق حاضر به منظور تبیین عوامل مؤثر بر احساس ناامنی پنج عامل طراحی و معماری نامناسب فضای شهری، عدم نظارت مداوم بر عرصه‌ی فضاهای شهری تراکم پایین جمعیت، حضور افراد غریبه و پیش‌فرض عدم امنیت به عنوان علل احساس ناامنی مورد توجه قرار گرفت که نتایج نشانگر تأثیر بالای این عوامل در متغیر وابسته تحقیق بود. همانگونه که نتایج تحقیق نشان دادند معماری و طراحی مناسب فضای شهری می‌تواند در افزایش احساس امنیت شهروندان سهم قابل توجهی داشته باشد. این عامل وقتی با عامل نظارت مداوم بر عرصه‌ی فضای شهری ترکیب می‌شود دارای تأثیر دوچندانی در احساس امنیت شهروندان می‌شود. همچنین این عوامل کالبدی وقتی در کنار عوامل اجتماعی، تراکم پایین جمعیت، حضور افراد غریبه و پیش‌فرض عدم امنیت قرار می‌گیرند؛ تبیین احساس ناامنی شهروندان به نحو بارزی تقویت می‌شود. بنابراین به منظور تقویت احساس امنیت شهروندان در فضاهای بی‌دفاع شهری ضروری است در کنار طراحی‌های کالبدی و فضایی به مباحث اجتماعی و فرهنگی نیز توجه ویژه‌ای مبذول شود. در ادامه پیشنهادهایی برای افزایش احساس امنیت در فضاهای بی‌دفاع شهری آورده شده است.

پیشنهادها

فضاهای بی‌دفاع شهری دارای ویژگیهایی هستند که حتی در طول ساعات تغییر می‌کنند و موجب بی‌دفاع شدن فضا و زمینه‌سازی برای نوع خاصی از خشونت‌های شهری و به تبع آن احساس ناامنی می‌شود بنابراین در ارائه‌ی راهکار باید متغیر بودن ویژگیهای اجتماعی و تاحدودی فیزیکی - اجتماعی را در نظر داشت. علاوه بر این باید این مسأله را در نظر داشت که دستکاری و تغییر دادن جزئی یا کلی در

ویژگیها به سبب محدودیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی چندان میسر نیست. بعضی از فضاهای شهری در تهران محصول برنامه‌ریزی بد و بدون مطالعه هستند و برخی دیگر به مرور زمان دچار تغییراتی می‌شوند که سبب بی‌دفاع شدن فضاها شده‌اند. بر این اساس، ارائه‌ی راهکارها و پیشنهادها باید در اولویت نخست برای کاستن از شدت بی‌دفاع بودن و یا کاستن از شدت عوامل بی‌دفاع کننده باشد.

۱- فضاهای بی‌دفاع در نقاط مختلف تهران دارای رؤیت بصری ضعیف بوده و گاه فاقد رؤیت بصری است. در این راستا در طراحی و ساخت فضاها به رؤیت بصری مناسب و دیده شدن از زوایای مختلف به میزان مناسب توجه گردد؛ قرار دادن نمای کناری ساختمانها، پیچ و خم دارکردن بر اثر جلو و عقب رفتگی ساختمانها در طول خیابانها تا حد ممکن جلوگیری شود.

۲- اکثر فضاهای ناامن دارای فرصتهای نظارتی محدود هستند و در مواردی فاقد فرصت نظارت و کنترل هستند. برای کاستن شدت این ویژگی در فضاها و افزایش فرصتهای نظارتی باید پنجره و درب و بالکن‌های مشرف به فضاها تعبیه شود و موانع فیزیکی مانند درختان پرشاخ و برگ را کاهش داد.

۳- عدم حضور مستمر افراد در برخی فضاها (خلوتی بمدت طولانی) از عوامل ناامنی است. برای اصلاح و تغییر این شرایط، می‌توان با تغییرات در شرایط فیزیکی و کاربری فضا، از خلوتی فضا کاست و یا اینکه در زمان مکان‌یابی فعالیتها و استقرار فضاهایی مانند پارک و فضای سبز دقت شود تا بتواند در اکثر ساعات تعدادی قابل توجه به خود جذب کند و یا با انتقال یک فعالیت شاخص به یک فضا می‌توان به ارتباط مردم با فضا کمک کرد و فقر فعالیتی فضا را کاست.

۴- در صورت نصب پل هوایی برای عبور پیاده، مسیر عبور افراد در طول پل باید قابل رؤیت باشد و توسط تابلوها و سایر الحاقات پوشیده نشود.

۵- ایستگاههای حمل و نقل عمومی، برای افزایش ایمنی باید در نقاط قابل دید نصب شوند و دارای روشنایی و سرپناه مناسب باشند و آسایش اقلیمی کلیه‌ی ایستگاهها فراهم شود؛ در این زمینه لازم است وجود این مکان به حضور مداوم افراد غریبه در فضاهای شهری منجر نشود چون باعث کاهش احساس امنیت خواهد شد.

۶- از قرار دادن تجهیزات و مبلمان شهری در تقاطع‌ها و نبش‌ها و پیاده‌روها که به مسدود شدن و کاهش امنیت عابران منجر می‌شود پرهیز کرد.

۷- در مکان‌یابی پارکها باید دقت کرد تا ناهمواریها و گنج‌ها و گوشه‌ها زیاد نباشد و ضمن اینکه در طراحی پارکها در نظر گرفتن قرارگاههای رفتاری گوناگون (مانند قدم زدن، نشستن، استراحت و...) لازم است.

۸- به منظور از بین بردن پیش‌فرض عدم امنیت در برخی از مناطق ناامن تهران لازم است شهرداری با تدابیری امکاناتی در این محلات قرار دهد تا ضمن افزایش تراکم جمعیت پیش‌فرض‌های ناامنی در میان مردم از میان برداشته شود. در این زمینه با توجه به ویژگی تاریخی بسیاری از فضاها (همچون دروازه غار و...)، می‌توان از مفهوم مدیریت خاطره‌ی جمعی (به مفهوم موريس هالبواکس) استفاده نمود.

منابع

- احمدی، حبیب. (۱۳۸۷)، *جامعه‌شناسی انحرافات*، تهران، انتشارات سمت.
- افروغ، عماد. (۱۳۷۷)، *فضا و نابرابری اجتماعی*، تهران، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.
- بوزان، باری، الی ویور، یاپ دوویدل. (۱۳۸۶). *چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت*، ترجمه‌ی علیرضا طیب، انتشارات مطالعات راهبردی، چاپ اول.
- پل، روی. (۱۳۸۲). *معماری امنیت اجتماعی*، ترجمه‌ی منیژه نویدنیا، *فصلنامه‌ی مطالعات راهبردی*، دوره نهم، شماره‌ی ۳۱.
- خاموشی، طاهره. (۱۳۸۷)، نقش طراحی شهری در ایجاد فضاهای عمومی امن در راستای کاهش ناهنجاریهای اجتماعی، دانشگاه تربیت مدرس، *پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی طراحی شهری*.
- چپمن، دیوید. (۱۳۸۶)، *آفرینش محلات و مکانها در محیط انسان ساخت*، ترجمه‌ی شهرزاد فریادی و منوچهر طیبیان، تهران: نشر دانشگاه تهران.
- راپوپورت، آموس (۱۳۸۴)، *انسان‌شناسی مسکن*، ترجمه‌ی خسرو افضلیان، تهران: نشر خانه هنرمند.
- ساروخانی، باقر و نویدنیا، منیژه. (۱۳۸۵). *امنیت اجتماعی خانواده و محل سکونت*، *فصلنامه‌ی رفاه اجتماعی*، سال ششم، شماره‌ی ۲۲.
- صدیق سروستانی، رحمت الله (۱۳۶۹)، *انسان و شهرنشینی، نامه‌ی علوم اجتماعی*، سال چهارم، شماره‌ی ۴.
- فیالکوف، یانکل (۱۳۸۸)، *جامعه‌شناسی شهر*، عبدالحسین نیک گهر، تهران: انتشارات آگه.
- کرلینجر، فرد. ان (۱۳۸۲)، *مبانی پژوهش در علوم رفتاری*، ترجمه‌ی پاشاشریفی، تهران: انتشارات آوای نور.
- لینچ، کوین. (۱۳۸۳). *سیمای شهر*، ترجمه‌ی منوچهر مزینی، تهران: دانشگاه تهران.
- مدیری، آتوسا. (۱۳۸۵). *جرم و خشونت در فضای عمومی شهری*، *فصلنامه‌ی علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال ششم، شماره‌ی ۲۲.
- Clarke. R. V. (1997). **Situational Crime Prevention: Successful Case Study**. Heston. albany. Ny.

- Cornish. D. B. and Clarke. r. v. (1986). **The Reasoning Criminal. Rational choice perspectives on offending**. spring-verlag: NY
- Crowe. T. (1997). **Crime prevention Through Environmental Design strategies and Application**, Routledge, London..
- Hall. E. T. (1976). **The hidden Dimension**. Doubleday: Garden city. press. Cambridge
- Jacobs. j. (1981). **The Death and Life of Great American cities**. New York. Vintage.
- Jeffery, C.R. (1971), **Crime Prevention Through Environmental Design**, Sage Publications, Beverly Hills, CA.
- Jeffery, C.R., Zahm, D.L., (1993), "CPTED, Opportunity Theory and Rational Choice Model", in Routine Activity and Rational Choice, **Advance in criminology theory**, vol 5, edited R.Clarke, New Brunswick.
- Newman. Oscar. (1996). **Creating Defensible Space. Department of housing and urban development**, New York: Collier Books.
- Trancik. Roger (1986). **Finding Lost Space**. New York. Van Nostrand Reinhold.
- Wilson. J. (1982). Broken Windows: The police and Neighborhood Safety. **The Atlantic Monthly** (March): 29-83.
- Zukin. S (1995). **The Culture of Cities**. New York. Blackwell publishers.